

یدالله خسروشاهی رفت و کوله‌باری از تجارب تلخ تاریخی را به جای گذاشت

یدالله خسروشاهی در پی یک سکنه مغزی و انتقال به بیمارستان، سرانجام در روز پنجشنبه پانزدهم بهمن، چشم از جهان فرو بست. فعالین تشکیلات کارگران انترناسیونالیست، درگذشت یدالله را به همسر و اعضای خانواده و نزدیکان اوتسلیت گفته و خود را در اندوه از دست دادن وی شریک میدانند. یدالله جهان را ترک کرد و کوله‌باری از تجارب تلخ را برای جنبش طبقه ما به جای گذاشت. کوله‌باری که خود از نسل پیشین مبارزان صنعت نفت و درپیشاپیش آنها افرادی همچون علی‌امید، به یادگار گرفته بود. توشه سیاسی این راه پر فراز و نشیب، جزئی از تاریخ جنبش طبقه ما است. تاریخی که در آن هر حرکت کارگری برای تشکیل‌یابی مستقل، از مجرای تعیین تکلیف با سیطره سیاسی بورژوازی بر جنبش کارگری گذشته است. یدالله نیز همانند دیگر مبارزان جنبش کارگری، با کارفرمای بیرحم و دستگاه امنیتی آن، یعنی دولت شاه و خمینی، روبرو گشت و طعم زهرآگین تازیانه و شکنجه را چشید. تاریخ زندگی یدالله، تاریخ توانایی کارگران در سازماندهی تشکلهای کارخانه، حتی در سطح کشوری، تحت سیطره اختناق است. این تاریخ در عین حال تاریخ ناتوانی و تسلیم جنبش طبقه ما در مقابل سنن بورژوازی چپ سرمایه نیز می‌باشد. تاریخ تن دادن جنبش کارگری به توده‌ایسم و فدائیسیم، تاریخ شکست تلاش‌های مکرر برای شکل دادن به بدیل کمونیستی است.

زندگی یدالله در دوران تبعید، همه این خصایص را یکجا در خود گرد آورد. تکامل دو جمع اولیه انجمن کارگران تبعیدی در آلمان و انگلستان به تشکل نسبتاً جاننداری در دهه نود و تکوین حرکتی برای یک بدیل کمونیستی، نقطه عطفی را در تاریخ زندگی سیاسی یدالله خسروشاهی رقم زد. مقالات و مصاحبه‌های یدالله در نشریه کارگر تبعیدی و دیگر رسانه‌ها در این دوره، شاهد یک گریز سیاسی از مواضع و سننی بود که بر تاریخ زندگی پرفراز و نشیب یدالله سیطره داشته است. شکل‌گیری مباحثات نظری در درون انجمن کارگران، سرانجام به قطب‌بندی سیاسی درون انجمن انجامید. در یک سوی این قطب‌بندی، هیئت‌هماهنگی انجمن، واحد سوئد و واحد کانادا قرار داشت و در سوی دیگر، محفلی با مواضع مشعشع سوسیال دمکراتیک و سندیکالیستی. یدالله نیز بمتابه سخنگوی انجمن، کوشید تا در نقش میانجی، از تعمیق بحران و فروپاشی انجمن ممانعت بعمل آورد. اما همانطور که در مقاله «ترازنامه و آینده» مندرج در نشریه کارگر تبعیدی، به قلم هیئت هماهنگی آمده بود، انجمن کارگران، بیش از دو راه در پیش رو نداشت، یا تلاش برای شکل دادن به یک بدیل کمونیستی ویا برگشت به سنن سوسیال دمکراتیک که خود را در هاله کم‌رنگی از سندیکالیسم پوشانده بود.

پس از انتشار نشریه پیک انترناسیونالیستی حول مواضع کمونیستی و زمانی که ارتباط جمع اعضای هیئت هماهنگی سابق انجمن، نزدیک به دوسال با یدالله قطع بود، او مجدداً، خواستار نشست و بحث حول مواضع حرکت ما در گرد نشریه پیک انترناسیونالیستی شد. تقاضای وی در این نشست عبارت بود از اصلاح یا حذف عبارت «ضدانقلاب» در قبال چپ ایران و اتحادیه‌های کارگری و تلاش مشترک برای سازمانیابی کارگران حول مواضع یاد شده. این امر اما مورد پذیرش ما قرار نگرفت. در این نشست، ضمن توضیح مبانی مواضع یاد شده، با همان صراحتی که میان ما معمول بود، پیشنهاد یدالله، حتی برای هرگونه همکاری، پاسخ رد گرفت. با عروج مجدد جنبش اصلاح‌طلبی در ایران و آغاز تلاش‌های برخی محافل جناح اصلاح‌طلب برای سازماندهی حمایت بین‌المللی از جنبش اصلاح‌طلبی ایران، یدالله نیز به مواضع سابق خویش بازگشت. امری که کاملاً قابل انتظار بود. بدین‌سان، زندگی سیاسی یدالله در دهه اخیر، صرف فعالیت‌ها و تحرکات «دپلماتیکی» کارگری، برای جلب حمایت بین‌المللی از جبهه کارگری جنبش اصلاح‌طلبی ایران گشت.

برغم این واقعیات، ما در دوره‌ای از مبارزات خود برای بدیل کمونیستی، رابطه‌ای تگاتنگ و حرکتی مشترک با یدالله داشته‌ایم و خاطرات تلخ و شیرین بسیاری از او داریم. درست به مانند همه تجمعات کارگری، جدال‌های لفظی و مکاتبات طولانی ما با یدالله هیچگاه به مناسبات نزدیک و صمیمی‌مان لطمه‌ای نزد. حتی سالها بعد از فروپاشی انجمن‌کارگران پناهنده، آنگاه که ناگزیر و بخاطر پای‌بندی به مواضع طبقاتی خود، روش سیاسی یدالله را آماج انتقاد نظری قرار دادیم، یدالله با همان صمیمیت همیشگی، میهمان سفره نه چندان رنگین ما بود و با اشاره به مباحث انتقادی، تلخی سیاست را به شوخی گرفته و میگفت، «کاکا، این حرفا همه باد است، بعدا می‌بینید که همه ما دوباره جمع میشیم یکجا». با این باور بود که یدالله منافع آنی و لحظه‌ای جنبش کارگران را بر منافع آنی و تاریخی طبقه‌اش ترجیح داد و کوله‌باری از تجارب تلخ و درس آموز را برای جنبش طبقه ما به جای گذاشت. کوله‌باری که با تاریخی از تلاش و شکست، همچنان بر دوش جنبش نحیف سیاسی کارگری سنگینی خواهد کرد. برغم این همه، یدالله عمری تلاش کرد، نان زحمت خویش را خورد و حتی آنجا که سیاست را به بورژوازی‌ترین روایتش برای هم‌طبقه‌ای هایش قرائت میکرد، شخصیتی صمیمی، دوست داشتنی و بدون پرستیژ طلبی سیاسی بود. یادش گرامی باد

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست